

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هشتاد و سوم، ۱۰ اسفند ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/سهم استقراضی /احتمالات در حکم سهام استقراضی -  
ادله حرمت ربا

### 1- حدیث اخلاقی (مراقبه)

ماه مبارک رجب است؛ ماه ولایت و ولایت است؛ ماه مراقبت و محاسبه است. ان شاء الله  
خدا به همه من و شما، توفیق دهد که اهل محاسبه و مراقبه باشیم.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، این ولی مطلق و این امیرالمؤمنین علی الإطلاق فرمودند:

«إجعل لنفسك على نفسك رقيباً»؛ [1]

از نفس خودت بر نفس خودت رقیب و مراقب قرار بده. خیلی تعبیر سنگینی است؛ انسان از  
خودش، بر خودش مراقبت داشته باشد؛ این دلیل بر تکریم انسان است؛ ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي  
آدَمَ﴾؛ [2] یکی از معیارهای تکریم، این است که حضرت حق جل جلاله، خودمان را، رقیب  
خودمان قرار داده است؛ یعنی طوری باشید که خودتان، رقیب و مراقب خود باشید.

ماده رقیب، قابل دقت است؛ واقعه‌ای، رخ می‌دهد؛ جمعیتی، جمع می‌شود و نگاه می‌کنند و  
گردن می‌کشند و هر یک، گردنش را بالاتر می‌آورد، ببیند چه شده است؛ این را رقیب و مراقبه  
می‌گویند؛ گردن به گردن زدن، برای آگاهی یافتن [3]. با این لفظ، حضرت سرالانبیاء والمرسلین،  
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: از خودتان برای خودتان، رقیب و گردن بکشید، تا آگاهی به  
دست آورید. حضرت در فرمایش دیگری فرمودند: «رحم الله عبدا راقب ذنبه و خاف  
ربه»؛ [4] خدا رحمت کند، بنده‌ای که مراقب گناهانش باشد و از پروردگارش بترسد. مهم‌ترین  
برنامه سیر و سلوک، مراقبت است. ما جدول و کاغذی و برنامه‌ای داشته باشیم؛ خوبی‌ها و  
بدی‌ها بنویسیم؛ اگر کار خوبی بود، خدا را شکر کنیم؛ اگر کار بدی و منقصتی در کارهای روزانه  
و هفتگی و سالانه بود، طلب مغفرت کنیم. مراقبه را سرلوحه زندگی قرار دهیم. خودمان مراقب  
خودمان باشیم که داریم چه می‌کنیم. انسان، مراقب خودش باشد. امیدواریم ان شاء الله در  
این ماه مبارک رجب، به عنایت اولیای الهی، خدا به همه من و شما توفیق مراقبه و محاسبه  
عنایت فرماید. آمین یا رب العالمین.

### 2- خلاصه جلسه گذشته

در مباحث بورس و مباحث خرید و فروش استقراضی یا به جهتی عاریه‌ای، مباحثی را مطرح کردیم.

### 3- وجوه و احتمالات در حکم معامله سهام استقراضی

#### 3.1- وجه اول

اگر قرار باشد اقسام معامله را مطرح کنیم، یک وجه این است که مطلقاً این فروش استقراضی، حرام است؛ چرا که انحلالش، به قرض ربوی است و قرض ربوی هم در اسلام، حرام است؛ پس کسی نمی‌تواند سهامی را به کسی قرض دهد و از آن، سود داشته باشد.

#### 3.2- وجه دوم

وجه دیگر اینکه بگوییم: این فروش استقراضی، جایز است؛ چرا که بین قرض ربوی و قرض تولیدی، فرق است. بین جایی که انباشته کند و جایی که چنین نباشد، فرق است؛ پس چون قرض، برای تولید است و برای سودآوری صرف است، خروج مصداقی از حرمت ربا می‌یابد.

#### 3.3- وجه سوم

وجه دیگر اینکه در فروش استقراضی، تفصیل قائل شویم: بین جایی که اشخاص حقوقی، معامله می‌کنند که ربوی است و اشکال دارد، و بین جایی که اشخاص حقیقی معامله می‌کنند که در معامله با شرکت‌ها و اشخاص حقیقی، فروش استقراضی اشکال ندارد؛ از شرکتی، قرض می‌گیرد و به او سود می‌دهد.

#### 3.4- وجه چهارم

وجه و احتمال چهارم این است که بگوییم: تفصیل قائل می‌شویم بین جایی که مسلمان و غیر مسلمان، خرید و فروش می‌کنند؛ اگر مسلمان قرض بگیرد و ربا دهد، اشکال دارد؛ قرض دهنده، مسلمان باشد یا نباشد؛ ولی اگر غیر مسلمان قرض بگیرد و سود بدهد، اشکال ندارد.

### 4- نظر مختار: تفصیل در حکم معامله سهام استقراضی

نسبت به اصل حرمت و عدم آن، عرض ما این است که فروش استقراضی، اگر جزو مصداقی ربا باشد که در خیلی موارد هست، خرید و فروش، اشکال دارد؛ چرا که ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [5] شاملش می‌شود و مطلق است؛ اطلاق آیه، او را می‌گیرد. بنا بر اینکه جزو مصداقی ربا باشد، عرض ما این است که اشکال دارد و نمی‌شود گفت صحت دارد.

اما بنا بر اینکه بگوییم: فروش استقراضی، جایز است و دو نوع قرض داریم: یکی قرض ربوی که اشکال دارد و دیگری قرض تولیدی که اشکال ندارد، آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ﴾، شاملش نمی‌شود.

### -5 ادله حرمت ربا

چون بحث، دقیق است و باید مسائل ربوی مشخص شود، اجازه دهید اشاره‌ای به بحث ربا داشته باشیم.

در قرآن، حد اقل هفت آیه داریم که تحریم ربا در آن، مطرح شده است. حرمت ربا، به ادله اربعه است. اجماع را دلیل مستقل نمی‌دانیم، ولی به تبع هست. سنت و کتاب و اجماع، و حتی دلیل عقل، دال بر حرمت ربا است. کمتر کسی به دلیل عقل، حرمت ربا را اثبات کرده است؛ ما، چنین نظری داریم.

### -5.1-1-1 اطلاقات قرآنی در مورد حرمت ربا

آیات حرمت ربا:

#### -5.1.1.1- آیه اول

سوره مبارکه بقره آیه ۲۷۵

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [6].

این آیه تشریح حال رباخواران، در قیامت است و شکی در حرمت ربا نیست. صحنه قیامت، تجسم اعمال انسان‌ها است. از نظر فردی و اجتماعی، بیع، مثل ربا است؛ با تفاوتی که بیع، حلال و ربا، حرام است. ربا، سود بی‌جهت است؛ سود، جهت داشته باشد، اشکال ندارد. و از آیه استفاده می‌شود که بیع و ربا هر دو، از یک مقوله هستند؛ بده بستان است؛ «إنما البيع مثل الربا»؛ بیع مثل ربا است، ولی یکی حلال و دیگری، حرام است.

#### -5.1.2- آیه دوم

آیه ۲۷۶ بقره:

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾ [7].

محق، یعنی نقصان یا هلاکت؛ به هلال هم محاق می گویند چون این قدر کوچک می شود که قابل دیدن نیست و در محاق، قرار می گیرد. ربا، باعث هلاکت و نقصان انسان است. رباخوار در دوزخ است. این هم آیه دیگر.

### 5.1.3- آیه سوم و چهارم

آیه ۲۷۸ و ۲۷۹ بقره

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [8].

اگر مؤمن هستید ما بقی ربا را رها کنید.

﴿فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ [9].

### 5.1.4- آیه پنجم و ششم

آیه ۱۳۰ آل عمران و ۱۳۱:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ [10].

خطاب و نهی دارد؛ به صورت مضاعف و چند برابر، ربا نخورید. احتمالات مختلفی در اضعااف است؛ یک جهت این است که بدهکاری و طلبکاری را بیشتر می کند؛ صد تومان می دهد، صد و بیست تومان می گیرد؛ تا جایی که یک فقری را ایجاد می کند؛ سوددهی، طوری بالا می رود که دیگر نمی تواند ادا کند؛ نزول طوری می شود که نمی تواند خارج شود.

«اضعاافا مضاعفة»، یا قید توضیحی است، یا احترازی.

### 5.1.5- آیه هفتم و هشتم

آیه ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء:

﴿فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ وَبَصَدَّهُم عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [11].

در آیه شریفه، از گرفتن ربا نهی شده است؛ این را اکل مال به باطل قرار دادند. این آیات، دلیل بر حرمت ربا است. شک و شبهه‌ای نداریم که به این ادله، ربا حرام است. ربا، یعنی چیزی را بدهد و چیزی اضافه‌تر بگیرد.

در فرق بین ربای قرضی و غیر آن نکاتی هست که عرض خواهیم کرد؛ ان شاء الله.

## 5.2-روایات حرمت ربا

این قدر روایات زیاد است که در حد تواتر است.

چند روایت عرض می‌کنیم:

وسائل، ابواب الربا، احادیث مختلفی هست که استفاده می‌شود که ربا، حرام است؛ روایات هم، صحیح است.

ج ۱۸، ص ۱۱۴ به بعد، باب تحریمه

### 5.2.1-روایت اول

محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «درهم ربا أشد من سبعين زنية كلها بذات محرم [12].»

عدة من أصحابنا (کلینی، محمد بن عیسی اشعری و همه انسان‌های وارسته هستند؛ صحیح اعلائی است).

یک درهم ربا، بالاتر از هفتاد گناه زنا مطرح کرده‌اند. (نعوذ بالله من سيئات أعمالنا و شرور أنفسنا).

شیخ هم در تهذیب ج ۷، ص ۱۴، ح ۶۱ نقل می‌کنند؛

صاحب وسائل می‌گوید: و رواه الشيخ بإسناده عن حسين بن سعيد عن ابن أبي عمير مثله.

### 5.2.2-روایت دوم

وعنهم، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن أبي جميلة، عن سعد بن طريف، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «أخبت المكاسب، كسب الربا [13].»

### 5.2.3-روایت سوم

وعنهم، عن أحمد بن أبي عبدالله، عن عثمان بن عيسى، عن سماعة قال: قلت لابي عبدالله عليه السلام: «إني رأيت الله تعالى قد ذكر الربا في غير آية وكرره، قال: أو تدري لم ذاك؟ قلت: لا، قال: لئلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف [14].»

خدا ربا را حرام کرد، تا مردم از معروف باز داشته نشوند.

می‌توانیم بگوییم بیع اجاره و بیع شرط و قرض و دین به دین، چیزهایی است که از مضمون ربا است و اشکال داشته باشد؟ جای بحث است.

---

[1] غرر الحکم و درر الکلم، التمیمی الآمدي، عبد الواحد بن محمد، ج ۱، ص ۱۴۴.

[2] اسراء/سوره ۱۷، آیه ۷۰.

[3] التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، المصطفوی، حسن، ج ۴، ص ۱۹۰.

[4] هدایة العلم فی تنظیم غرر الحکم، شیخ الإسلامی، السید حسین، ج ۱، ص ۲۶۱.

[5] بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۵.

[6] بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۵.

[7] بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۶.

[8] بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۸.

[9] بقره/سوره ۲، آیه ۲۷۹.

[10] آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۳۰ و ۱۳۱.

[11] بقره/سوره ۲، آیه ۱۶۰ و ۱۶۱.

[12] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۸، ص ۱۱۷، أبواب الربا، باب ۱، ح ۱، ط آل البيت.

[13] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۸، ص ۱۱۸، أبواب الربا، باب ۱، ح ۲، ط آل البيت.

[14] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ١١٨، أبواب الربا، باب ١، ح ٣، ط آل البيت.